



پلکان

نشر گلستان  
رشت - صندوق پستی ۳۳۲

۲۰۰۰

۱۰  
۲۲

۷۱۷۶۸

# مطبوعات گیلان

در عصر انقلاب

از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ شمسی



م . ب . جکتاجی

- \* مطبوعات گیلان در عصر انقلاب
- \* تألیف: م. پ. جگتاجی
- \* نشر گیلگان - رشت ، صندوق پستی ۳۳۲
- \* طرح روی جلد: مرتاض هجری
- \* چاپ اول: زمستان ۱۳۶۱
- \* تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
- \* چاپ: چاپخانه
- \* کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است.

## فهرست مطالب

۵	مقدمه
۹	مطبوعات گیلان در عصر انقلاب
۴۸	جدول مطبوعات گیلان عصر انقلاب
۵۲	ویژگیهای مطبوعات گیلان عصر انقلاب
۵۴	توضیحات

به کارگران زحمتکش چاپخانه‌ها

## ( مقدمه )

دورا دور شنیدم که تنی چند از سروران و عزیزان اهل قلم گیلانی در خصوص مطبوعات گیلان به تفصیل قلمی زده‌اند، ولیکن نتیجه کارشان به صورت نسخه‌های دست‌نویس پیش آنان مانده است و خلق را از آن‌ها نصیبی نیست .

باز از نزدیک دیدم کار فرزانه‌ای را که در این مورد رنجی سخت بر خود هموار داشته است، اما حاصل کارش که کتابی است ارزشمند همچنان در گوشه‌ی کتابخانه‌اش خاک می‌خورد و قوم را نیز از آن هیچ اطلاعی نیست .

از آن رو که چند صباحی خود نیز به جرگه مطبوعات‌چی! ها پیوسته بودم، رغبتی در دل افتاد و شوری، تا من نیز این مهم را بیازمایم . اما به سببی کار را از پایه شروع نکردم، چه بهرحال من متعلق به امروز و گذشته نزدیک به‌آنم و تمامی عینیات و ذهنیات من نیز بالطبع متعلق به همین دوره کوتاه است و نه پیش از آن، و اگر بخواهم به بررسی لایه‌های زیرین و پیشین مطبوعات گیلان که قرنی را

پشت سر دارد بپردازم، بررسی حاصل از نوع بررسی‌های خشک و بی‌جان و بدور از تحلیل دقیق و مستند خواهد بود. چه در بررسی و تحلیل مطبوعات گذشته فقط لاشه مطبوعات کافی نیست تا بررسی و محقق بنشیند و روی جسد مومیائی شده آن کالبد شکافی کند، بلکه بعکس باید مدتها با آن و در کنار آن بوده باشد، رایحه دل‌انگیز خدمت یا بوی متهوع خیانت آن را از نزدیک استشمام کرده باشد تا بتواند سره را از ناسره تمیز دهد و رای نهایی را از سر صدق صادر کند. چرا که به تجربه ثابت شده است همیشه در همه جا و در همه حال مطبوعاتی هستند که به‌هنگام مبارزه، آروغ مبارزه می‌کشند و به‌هنگامی که مبارزه به برنشست و نیل حاصل شد، تازه در ایشان میل به مبارزه شدت می‌گیرد و عاقبت کار بدان جا می‌کشد که همه چیز بار دیگر لوٹ می‌شود.

چون قلم دردست غداری فتاد لاجرم منصور بر داری فتاد

گیلان از این نمونه‌ها بسیار دیده است. زنده‌ترین و ملموس‌ترین

نمونه آن را می‌توان در انقلاب خونبار و شکوهمند اخیر جست.\*

هم از این روست که می‌گویم این کار، این تلفیق عینیت و ذهنیت کار مطبوعات گذشته را، همان به که دیر و زیان، آنان که خود دستی از نزدیک بدان و در آن داشتند، یا حداقل تماشاگر دقیق، منصف و آگاه قضایا بودند، انجام دهند که دادند، ولی همان طور که گفته شد عرضه

\* یک نمونه دیگر آن را آقای املشی چنین ذکر می‌کند " در سال‌های ۱۳۲۹ - ۱۳۳۵ آنقدر روزنامه‌نویسی مبتذل شد که هر عوامی روزنامه ( تحت نظر هیئت تحریریه و زیر نظر نویسندگان ) انتشار داد و افترا و فحش و ناسزا و دروغ را برنامه نمود که بهتر آن بود بجای روزنامه فحش نامه خوانده شود. " گوشه‌هایی از تاریخ گیلان، بهاء‌الدین املشی ( میزان ) ص ۱۹۸.



نکردند و امید که عرضه کنند. پرواضح است که بررسی مجدد و تحلیل جامع مطبوعات عصر انقلاب و همچنین بررسی مطبوعاتی که از این پس در عرصه گیلان ظهور خواهد کرد حاصل پژوهش دیگری است، که زمانی مناسب و فرصتی دیگر می‌خواهد.

و دیگر این که کتابچه در زمستان ۶۰ تحریر شد و در زمستان ۶۱ به‌زیر چاپ رفت. در این فاصله برخی دگرگونی در مطبوعات گیلان رخ داد. پس اگر در طول مطالعه به مواردی برخورد شد که در آن شماره انتشار پارهای نشریات اعداد پائین‌تر از معمول را نشان می‌دهد، یا برخی تاریخ‌های قید شده به‌نظر اشتباه می‌آید، و از این قبیل موارد، ببقین دال بر گذشت این یک سال زمانی است. توضیحی چند در این خصوص که صواب به‌نظر می‌آید، در بخش توضیحات آخر کتاب آمده است.

م. پ. جکناجی

بهمن ۶۱-رشت

" نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر  
آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد .  
تفصیل آن را قانون معین می‌کند . "

اصل بیست و چهارم

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران



" از لحاظ این قانون مطبوعات عبارت از نشریاتی  
است که بطور منظم و در مواقع معین با نام ثابت و  
تاریخ و شماره ردیف چاپ و منتشر می‌شود و اخبار  
و اطلاعات و دیدگاههای گوناگون در زمینه‌های  
اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و دینی و علمی و  
فرهنگی و هنری را به‌آگاهی عموم می‌رساند و از این  
راه به روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح  
دانش در رشته خاص کمک می‌کند . "

ماده یک

لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۰

# مطبوعات گیلان

در عصر انقلاب

قبلا " لازم است به اجمال گفته شود که گستره امروز مطبوعات ، نه در گیلان و ایران ، بلکه در جهان در حول و حوش این دو شق اصلی و اساسی تئوری مطبوعات دور می‌زند . شق اول : تئوری استبدادی ، شق دوم : تئوری آزادی . هر چند که هر یک از این دو شق خود شقوق دیگری در پی دارد .

در جامعه‌ای که حکومتش بر این باور است که حقیقت را تنها پیش یک فرد - گیریم که بزرگوار و اندیشمند - یا افرادی - فرض که - فرزانه اما محدود و انگشت شمار که خود اعضاء تشکیل دهنده آن حکومتند ، می‌توان سراغ گرفت و مردم را بهیچ روی از آن حقیقت یا حقایق آگاهی و وقوف نیست ، و بر این تصورند که آنان برگزیدگان و نخبگانی هستند که تمامی هر را از بر تشخیص می‌دهند و لاجرم لازم است که این حقایق را از مسند قدرت بر جامه اعمال کنند و نه آن‌گونه که در جامعه واقعیت دارد ، پس مطبوعات این چنین جامعه‌ای نیز طبعاً " تحت تاء ثیر حکومت

آن جامعه و متاثر از رای و اندیشه فرد یا افراد حاکم بر آن جامعه است و از این رو ژورنالیسمی است که محتوی هر هفته و روزش با تغییرات جوی سیاسی ناشی از تلون مزاج فرد یا افراد حاکم بر جامعه دگرگون می‌شود. ژورنالیسمی است که مدام و پیوسته پوست می‌اندازد. مطبوعاتی است متلون، متملق و زاخای - کلی‌تر بگوئیم مطبوعاتی است از بالا به پائین که قلب واقعیت می‌کند.

و بعکس در جامعه‌ای که حقیقت از جنگ صاحبان قدرت آن بیرون کشیده شده و عیناً همان است که بصورت واقعیت میان افراد جامعه ملموس و متجلی است و حکومت در آن جزئی از مردم و از خود مردم است، مطبوعات آن نیز به یقین تحت تأثیر مردم آن جامعه و استوار بر رای و اندیشه آزاد است. از اینرو ژورنالیسم آن، ژورنالیسمی شریف، نجیب، متعهد و مسئول است. مطبوعاتی است که روی نابسامانی‌ها و نابخردی‌های جامعه و حکومت با جرات و شهامت انگشت می‌گذارد و بر همین اساس از پشتوانه کافی و وافی ملی و مردمی برخوردار است. باز کلی‌تر بگوئیم مطبوعاتی است از پائین به بالا که عین واقعیت می‌گوید. اما فراموش نشود که در مورد اول که شق تئوری استبدادی مطبوعات حاکم است همیشه نمونه‌هایی پیدا می‌شود که علیه وضع موجود به مبارزه بر می‌خیزند، همان‌گونه که در مورد دوم که شق تئوری آزادی مطبوعات حاکم است گاهگاه نمونه‌هایی یافت می‌شود که دست به فروپاشی و ویرانگری می‌زنند.

با این حساب، واضح است اگر گفته شود تنها مطبوعاتی که رسالت و تعهد اجتماعی خویش را به نیکی بشناسد و به‌درستی احساس مسئولیت کند، مطبوعات آزاد است و این چنین مطبوعاتی نماینده واقعی افکار

ملت است و لاغیر . در مطبوعات آزاد ، بنا بر وظیفه و رسالت مطبوعاتی ، هر صفحه و ستون و سطر و کلمه در خدمت جامعه است . همه چیز در راه اعتلا و ارتقای جامعه است و نه در راه ابتلا و انتفاء آن . مطبوعات بدون ترس و وا همه ، ژورنالیسمی صدیق و صمیمی است که تا عمق جامعه نفوذ می کند و مطبوعات سالوس و خوف زده ژورنالیسمی است نانجیب و ریاکار که به حق جامعه دامن می زند . این است که اغلب گفته می شود مطبوعات یکی از حساس ترین رسانه های گروهی است که می تواند تار و پودهای گسسته جامعه ای چند پارچه را بهم جوش دهد و پیوند زند و یا تار و پودهای پیوسته جامعه ای متحد را بیوساند و از هم بگسلد . خوشبختانه یا بدبختانه ما شاهد و نظاره گر هر دو نوع آن بوده ایم و یکسان از آن سود برده و ضرر دیده ایم .

مطبوعات در هر کجای دنیا ، به ناچار ، رنگ و بوی سیاست کشوری را می گیرد که داخل مرزها و ثغور آن منتشر می شود . در ممالکی که حکومت های استبدادی یا شبه استبدادی حاکم است ، اعمال فشار بر روی مطبوعات و سانسور گاه علنی است و گاه غیر علنی ، گاه شدید است گاه ضعیف است ، گاه همیشه است و گاه برهه زمانی نیست . اما در همه حال خط مشی مطبوعات را حکومت ها تعیین می کنند . تنها در مراحل بعدی است که عواملی چون ذوق و علاقه ، وقت و حوصله و بالاخره وضعیت مادی و اقتصادی دست اندرکاران مطبوعاتی نقش تعیین کننده دارد . مطبوعات گیلان نیز خارج از این قاعده ها نیست و از همین رو است که مروری بر آن ولو به تعجیل امری واجب و ضروری به نظر می آید .

با این تفصیل می خواهیم که در این مختصر ، مجملی از مطبوعات گیلان عصر انقلاب را به تحریر آوریم .

مطبوعات گیلان را حدیثی مفصل است که شرح آن نیاز به تألیف کتابی مستقل و پر حجم در این زمینه دارد. چه از وقتی که نخستین روزنامه یا مجله در گیلان چاپ شد (هامائیک، ۱۸۸۰ میلادی برابر با ۱۲۵۹ شمسی<sup>۱</sup>) تا کنون متجاوز از یک قرن می‌گذرد. در این فاصله زمانی، با توجه به حوادث و اتفاقات تلخ و شیرینی که بر سر مردم این دیار آمد، و غنای فرهنگ منطقه و اعتلای دانش و معرفت عمومی و بالاخره بعد وسیع مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه گیلان، مطبوعات آن نیز متنوع، متعدد و نسبتاً "مترقی بوده است.

مروری بر روزنامه‌ها و مجلات گیلان ولو مجمل و شتابزده یک‌نکته بسیار بدیهی را روشن‌تر و آشکارتر می‌سازد و آن، این که هر بار نسیم آزادی و دموکراسی بر این سرزمین می‌وزد، مطبوعات آن نیز شکوفان می‌شود و به بار می‌نشیند، و هر بار اصول آزادی و دموکراسی زیرپا گذاشته می‌شود و بجای آن اختناق و استبداد چنگ می‌اندازد، مطبوعات آن نیز بالطبع در محاق توقیف و تعطیل می‌افتد.

بطور کلی عمر مطبوعات گیلان را می‌توان به سه دوره بارز و مشخص تقسیم کرد. نخست مطبوعات عصر مشروطیت که خوشبختانه در گیلان تا نهضت جنگل تداوم یافت. دوم مطبوعات زمان حکومت ملی مصدق که چندان نپائید. و بالاخره سوم، مطبوعات زمان انقلاب اخیر ایران که همزمان با اوج قیام شکوهمند مردم ایران شروع گردید و تا چندی پیش ادامه داشت.

با مروری اجمالی بر نشریات عصر مشروطیت در گیلان (که گفتیم بخاطر قوام و دوام نهضت مسلحانه و مردمی جنگل دیر پائید) به بیش از شصت روزنامه و مجله بر می‌خوریم، اما بلافاصله پس از شکست جنگل

و آغاز حکومت اختناق و اسبنداد پهلوی اول ، شعله آتش مطبوعات گیلان نیز فروکش می کند . مطبوعات این دوره را می توان بدور از چند استثنا ( که قاعده نیست ) از صمیمی ترین مطبوعات گیلان و ایران دانست . نسیم شمال ، جنگل ، آموزگار ، خیرالکلام و . . . نمونه های بارز این قبیل مطبوعات هستند ، در عین حال که هر کدام مبلغ یک عقیده و مرام وارگان یک مشی خاص اجتماعی و سیاسی می باشند .

بعنوان نمونه " آموزگار " که در ۱۳۲۹ هجری قمری برابر ۱۹۱۱ میلادی یعنی هفتاد و سه سال پیش به مدیریت میرزا محمد تقی شیرازی در رشت چاپ می شد و به قول ادوارد براون " خط مشی دموکراتیک داشته است " روزنامه ای بود که بیشتر به طرح مسائل مردم و روشنگری اذهان عمومی می پرداخت و از آن میان چاپ مطالبی بود که اغلب بهرنجبران ، زحمتکشان و مستضعفان شهری و روستایی اختصاص داشت . آموزگار در اغلب مطالب نظم و نثر خود به تحلیل مفهوم استثمار و استعمار و افشای قشر سودجو و بهره کش می پرداخت و به زبان بسیار ساده و عامی به بیان مبارزه طبقاتی می نشست .

نمونه شعری مثل آن چه در ذیل می آید ، همیشه به مقدار کافی در هر شماره آموزگار چاپ می شده است :

ای رنجبران بی بصری تا کی و تا چند ؟  
 غفلت ز حقوق بشری تا کی و تا چند ؟  
 آخر بتفکر نظری سوی اجانب ،  
 ز اوضاع جهان بی خبری تا کی و تا چند ؟

\*\*\*

بعد از واقعه شهریور ۲۰ و محو حضور دیکتاتور بزرگ از گرده



سیاست کشور، در فاصله دهه ۳۰ و به‌ویژه دو سال اول دهه ۴۰ یعنی سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ که یک دولت ملی بر سر کار آمد، شاهد پیدایی بسیاری نشریه دیگر در گیلان هستیم، اما دیری نمی‌پاید که با کودتای ۲۸ مرداد که اختناق و استبداد پهلوی دوم بر کشور چنگ می‌اندازد، مطبوعات گیلان نیز از نفس می‌افتد.

بیست و پنج سال بعد، درست دو ماه بعد از پیروزی قیام شکوهمند ۲۲ بهمن ۵۷، یک بار دیگر قصه شیرین و قدیمی مطبوعات گیلان تکرار می‌شود و در مدتی کوتاه بیش از بیست نشریه جدید در خانواده مطبوعات گیلان تولد می‌یابد. اینک که سالگرد سومین سال انقلاب را پشت سر گذاشتیم، می‌بینیم مطبوعات گیلان بار دیگر از نا افتاده است، طوری که در لحظه نگارش این مقاله فقط چند نشریه (به احتمال قوی سه نشریه) به حیات مطبوعاتی خود ادامه می‌دهد و مابقی هر یک بعللی، خواسته یا نخواست، تعطیل و متوقف شده است.<sup>۲</sup>

یک آمار سرانگشتی از مطبوعات گیلان در طول حیات صدساله‌اش، رقمی نزدیک به یکصد و پنجاه عنوان نشریه را نشان می‌دهد. این تعدد نشریات ضمن این که مبین طلب و نیاز طبیعی جامعه گیلان و توجه غنای فرهنگی آن و همچنین معرف اشتباه‌های سیاسی و اندیشه‌ای باز مردم منطقه می‌باشد، در عین حال این توهم را نیز بر می‌انگیزد که دور نیست هرگاه بسیاری از این نشریات طفیلی و تنها از روی شهرت و جاه طلبی صاحبان و مدیران آن‌ها، کسب امتیازات سیاسی و اجتماعی فردی یا گروهی و گاه حتی چشم و هم چشمی‌های خصوصی پا گرفته باشد. کنمان این موضوع انکار ناپذیر است. آن چه مسلم است این که بدون شک هر دو عامل خدمت و خیانت مطبوعات باید مورد بررسی دقیق و

شایان قرار گیرد .

بدیهی است مطالعه تاریخ مطبوعات گیلان بی آن که تحلیلی از آن گفته آید کاری است عبث . این همه مطبوعات چه گلی بر سرگیلانی جماعت زده است و تا چه حد در خدمت محرومان جامعه بوده است ، جای درنگ ، اندیشه و تامل است . بدون شک وجود مطبوعات مصلح در تنویر افکار و روشنگری و دادخواهی جامعه گیلان تاءثیر فراوان داشته است همان گونه که وجود برخی از آن ها زائد بوده و تاءثیر سوء داشته است و اگر چه ظاهرا " در هیئت یک نشریه مترقی عمل می کرده اند اما در باطن - بعمد یا غیرعمد - گامی جز به انحراف کشیدن ذهن توده ها برنداشته اند .

مطالعه و بررسی اهداف ، خط مشی ها و تبلیغ آن چه اینگونه نشریات می نوشتند و تاءثیر آن بر مردم (همراه با ذکر جزئیات فنی این سری مطبوعات از نظرگاه ژورنالیسم و نیز رعایت اصول و موازین علمی فهرست نگاری روزنامه ها و مجلات ) کاری است سترگ و بزرگ که جا دارد روی آن کوششی از سر حوصله و وسواس انجام گیرد . این ، ضرورت و التزامی است به کرده ، محقق و پژوهشگر گیلانی که به تحقیق و پژوهش آئینه افکار و عقاید و کارنامه زندگی جامعه خویش بنشیند ، هرگاه مطبوعات را آئینه افکار و عقاید مردم یک جامعه و کارنامه محیط و زندگی آن تعریف کنیم .

\*\*\*

بیشتر بگوئیم که کوشمان در این مقال صرفا " معرفی مطبوعات گیلان و بیان اهداف و خط مشی های آن دسته نشریاتی است که در فاصله سال های ۶۰ - ۱۳۵۷ یعنی سال قیام و سه سال اول انقلاب ایران چاپ و منتشر شده است ، و در این معرفی غرض بیشتر ثبت نام نشریه ،

ترتیب انتشار، بیان کلیاتی در خصوص آن نشریه و تحلیل بسیار مختصر از کار و روش نشریه است برای آن که فهرستی جهت آشنائی و زمینه‌های برای پژوهش‌های بعدی فراهم آید. بنابراین از هرگونه تحلیل کلی و استنتاج غائی بر این نشریات که بی شک واکنش‌های سریع و جنجال برانگیز در بر خواهد داشت پرهیز شده است.

بعد از تعطیل جمعی مطبوعات در زمان شاه به سال ۱۳۵۴ - بعضاً به اجبار و خط و نشان کشیدن مقامات امنیتی و بعضاً "به تطمیع درازای دریافت مبالغی پول از دولت - تا قبل از پیروزی انقلاب در گیلان تنها دونهشریه چاپ می‌شد. یکی روزنامه بازار و دیگری هفته‌نامه فریادگیلان. این دو نشریه حتی در طول اعتصاب قهرمانانه مطبوعات ایران<sup>۳</sup> در پائیز سال ۱۳۵۷ چاپ و منتشر می‌شد و موضعی ضد انقلابی داشت. در همین فاصله یک نشریه دیگر - طالب حق - که پیش از تعطیل جمعی مطبوعات در سال ۱۳۵۴ در رشت چاپ می‌گردید، با توجه به فضای بااصلاح باز سیاسی روز، مجدداً شروع به انتشار کرد. انتشار این سه نشریه بطور مرتب و گاه با اعتصاب متناوب یکی از آنها (بازار) که بعداً به کلی تغییر جهت داد، تا لحظه پیروزی انقلاب و حتی چند ماه بعد از آن ادامه داشت.

در طلوع آزادی با لغو هرگونه سانسور و ممیزی در مطبوعات، و اعطای آزادی بیان، قلم و اندیشه که انقلاب ارمنان ملت کرده بود، یک سری نشریات که تعدادشان از بیست عنوان تجاوز می‌کرد اعم از روزنامه، هفته‌نامه، دو هفتگی و ماهنامه در گیلان، به‌ویژه در رشت و تنها در دو مورد در شهرستان‌ها شروع به انتشار کرد. پیشخوان کیوسک‌ها و دهکده‌های روزنامه‌فروشی‌های گیلان در تسخیر این قبیل مطبوعات و دیگر

نشریاتی که از پایتخت می‌رسید قرار گرفت. وجود این تعداد نشریه در طول این مدت کوتاه خاطره پرشکوه مطبوعات گذشته گیلان را زنده می‌کند، هرچند پیشتر اشاره کردیم که صرف کمیت مطبوعات ما فقط مطرح نیست و این کیفیت مطبوعات ما است که باید مورد نظر و توجه قرار گیرد.

این نشریات به ترتیب حروف الفبا عبارتند از:

بازار - پیام جنگل - پیام گیلان - جنگل - دامون - دانش - رانکوه - رزم کارگر - روئین - زرخ‌پوتار - ژویور - سایبان - سعی ما - صدای زحمتکشان - طالب حق - فریاد گیلان - کارگران مسلمان - گیلان - گیلان ما - گیله‌مرد - ندای میرزا - نقش‌قلم - ویژه‌نامه هنر و ادبیات.

از میان نشریات بالا که هر یک هدف خاصی را دنبال می‌کرد (هدف‌ها بعضاً "سیاسی و اجتماعی و بعضاً" صرفاً "تجاری و جهت کسب درآمد از طریق چاپ آگهی‌های دولتی و بازرگانی یا طلب نام و شهرت بوده است) در برخورد با علل و جهات مختلف امروز تنها چند نشریه (احتمالاً "سه‌نشریه) منتشر می‌شود، این نشریات را از جنبه‌های گوناگون و نقطه‌نظرهای مختلف می‌توان مورد بررسی و طبقه‌بندی قرارداد، مثل نشریات علنی (با مجوز رسمی از سوی وزارت ارشاد) و غیر علنی (زیرزمینی)، نشریات آزاد و وابسته (ارگان احزاب و سازمان‌ها)، نشریات سیاسی و غیر آن، نشریات آماتور و حرفه‌ای، و از این دست. اما با توجه به قلت عنوان نشریاتی که در این محدوده تنگ زمانی چاپ شده است در رابطه با کل مطبوعات گیلان که رقمی درشت است و عمری یکصد ساله را پشت سر دارد، بهترین راه معرفی در این دیده شد که به ترتیب زمانی و قدمت انتشار ارائه شود. با این توضیح که از درج مشخصات جزئی نشریات و ظرائف کار ژورنالیستی، و نیز اصطلاحات فنی فهرست‌نگاری بعمد پرهیز شده است.

### ۱- بازار

روزنامه صبح گیلان، که تا ماههای قیام در خدمت رژیم بود. با نزدیک شدن پیروزی انقلاب ناگهان در شماره ۴۱۱۸ مورخ ۲۱ دی ماه ۵۷ به صورت یک روزنامه ضد رژیم درآمد و در خدمت مردم قرار گرفت و همزمان اعضای ثابت هیئت تحریریه آن کنار گذاشته شده جای آن را شورای نویسندگان متشکل از گروهی روزنامه نگار جوان اشغال نمود. شورای مزبور با استفاده از امکانات اداره روزنامه و چاپخانه آن مستقلاً شروع به کار کرد. امتیاز روزنامه عاقبت بخاطر همکاری صاحب امتیاز آن با رژیم گذشته وساواک لغوگردید و روزنامه با انتشار شماره ۴۲۳۴ به تاریخ ۵/۷/۵۸ رسماً تعطیل شد و شورای آن در روزنامه صدای زحمتکشان گردهم آمدند (نگاه کنید به ردیف ۱۴). این روزنامه به قطع ۳۵×۵۰ سانتی متر در ۴ صفحه چاپ و به استثنای روزهای شنبه همه ايام هفته را منتشر می شد. بازار سی سال حیات مطبوعاتی را پشت سر داشت.

شورای وقت کارگران دوست، مسیروان بیانی روز کار می و انقلاب

## کارگران: این راه پیمانی مربوط

## بما است و باید خودمان تصمیم بگیریم

## گروههای دیگر باید کارشان

## را با ما تنظیم کنند

دوباره شوراهای کارگری

تکلیف در نظر کارگران

آشکار فعالیت

کارگران

بیماری مشکل روز کارگران

## ۲- فریاد گیلان

هفته نامه - فریاد گیلان در طول ماههای قیام در خدمت رژیم شاه بود و بهطور مرتب هفتمای دوبار چاپ و منتشر می‌گردید. چند هفته قبل از پیروزی قیام، محتاطانه تغییر می داد و در کنار انقلاب قرار گرفت و عاقبت با انتشار شماره ۱۳۰۴ به تاریخ ۱۳۵۸/۵/۱۵ بعلت رابطه مدیر آن با ساواک که عنوان شده بود امتیاز آن لغو گردید. این روزنامه بمبهم قطع ۳۵×۵۰ سانتی متر در ۴ صفحه چاپ و منتشر می شده است. فریاد گیلان ۲۸ سال سابقه انتشاراتی داشت.



### ۳- طالب حق

هفته نامه - بعد از تجدید حیات مطبوعات در زمان نخست وزیری شریف امامی، نخستین شماره این هفته نامه ( شماره ۹۷۸ ) در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۲۵ انتشار یافت، اما بعد از پیروزی انقلاب به خاطر سابقه همکاری مدیر آن با ساواک که عنوان شد امتیاز آن لغو و روزنامه با انتشار شماره ۱۰۰۴ مورخ ۱۳۵۸/۵/۱۱ تعطیل گردید. طالب حق نسبت به دوروزنامه پیش، در طول انقلاب روشی احتیاط آمیز و بی طرف داشته است. طالب حق نیز به قطع ۳۵×۵۰ سانتی متر در ۴ صفحه چاپ و روزهای ۵ شنبه منتشر می شده است. این روزنامه بهنگام تعطیل ۲۸ سال سابقه انتشاراتی داشته است.



## ۴- سایبان

هفته نامه - این روزنامه بدنبال سه سال تعطیل ( که گویا درازای دریافت مبالغی پول از طرف دولت - به اجبار یا به طیب خاطر- همانند بسیاری نشریات دیگر در سال ۱۳۵۴ تعطیل شده بود ) در تاریخ پانزده اسفند ۱۳۵۷ به انتشار مجدد دست زد . ( شماره ۸۸۵ ) اما یک سال بعد با انتشار شماره ۹۴۴ به تاریخ ۱۳۵۸/۱۲/۲۸ بعلتی که در بالا اشاره شد ، امتیاز آن لغو و روزنامه تعطیل گردید . سایبان به قطع ۳۵×۵۰ سانتی متر در ۴ صفحه چاپ و منتشر می شده است .

این روزنامه ۲۹ سال سابقه مطبوعاتی داشته است .





کار چهار نشریه فوق‌الذکر بجز یک مورد (بازار) و آن هم درفاصله زمانی بسیار اندک، در پرداختن به درج آگهی‌های دولتی و استفاده از بولتن خبرگزاری پارس مرکز رشت بعنوان منبع خبری آماده و دیکته شده، و گاهگاه چاپ مطالب گردآوری شده نظم و نثر از متون کلاسیک و معاصر ایران خلاصه می‌شد و به‌ندرت مطلبی نو و بنیادی در آن‌ها چاپ می‌گردید.

اما فراموش نباید کرد کار هر چهار روزنامه از سال‌های دور، یعنی از سال‌های ۱۳۳۰، پیش و پس از آن، شروع شده بود و در طول این سال‌های دراز گاه زمانی پیش می‌آمده و فرصتی حاصل می‌شده است که این روزنامه‌ها موضعی نسبتاً "مترقی می‌گرفته‌اند. به‌عنوان مثال باید از روزنامه بازار نام برد که در سال ۱۳۴۷ به انتشار ماهنامه "بازار ویژه" هنر و ادبیات" دست زد. همچنین سایبان (نگاه کنید به‌ردیف ۱۱) و موارد قابل ذکر دیگر که مربوط به گذشته این روزنامه‌ها است.

اما آن‌چه بازار مطبوعات گیلان دوره انقلاب را رونق می‌بخشد وجود نشریاتی است که از نخستین روزهای سال ۱۳۵۸ شروع به چاپ و انتشار کرد، که ظهور برخی از آنان بسیار بحث‌انگیز بوده و مطالعه کارنامه عمر هر چند کوتاه آنان قابل تعمق و تأمل است.

این نشریات عیناً "به ترتیب تاریخ نشر (و احتمالاً" با سهوی که ناشی از عدم اطلاع دقیق نگارنده است) عبارتند از:

## ۵- گیلان

گیلان " وابسته به مرکز برنامه‌ریزی برای حکومت ایالتی گیلان " -  
 که نخستین شماره آن در تاریخ ۵۸/۲/۸ به صورت " نامه‌ای سرگشاده به  
 امام خمینی " که در آن طرح تشکیل حکومت ایالتی گیلان به تفصیل  
 تشریح شده بود منتشر گردید و در شماره چهارم به تاریخ ۵۸/۴/۲۷  
 متوقف مانده روزنامه گیلان چنانچه از عبارت توضیحی آن بر می‌آید در  
 برقراری سیستم حکومت فدراتیو در ایران و از آن جمله گیلان به‌عنوان یک  
 ایالت فدرال فعالیت و تبلیغ می‌کرد . این نشریه به‌قطع ۳۵×۵۰ سانتی‌متر  
 در ۴ صفحه به‌صورت افست و دو هفتگی در رشت چاپ و منتشر می‌شد.<sup>۴</sup>



## ۶- جنگل

روزنامه، که با نخستین شماره خود به تاریخ ۵۸/۲/۲۹ و قطع ۳۵×۵۰ سانتی متر درهشت صفحه حاوی مطالب خبری، سیاسی، اجتماعی، ادبی و ورزشی شروع به کار کرد. از شماره ۳۰ به تاریخ ۱۸ آذر ماه ۱۳۵۸ از حالت هفتگی به صورت روزانه (روزنامه صبح گیلان) درآمد. جنگل به صورت یک روزنامه خبری آزاد و حرفه‌ای تا حدودی توانست جای خالی این نوع روزنامه‌ها را در گیلان پر کند. توزیع آن از اواخر سال ۱۳۵۹ با وقفه‌های مکرر توأم بود و بالاخره با انتشار شماره ۱۹۲ در تاریخ ۶۰/۵/۲۵ تعطیل گردید. جنگل بر رویهم سه سال انتشار یافت و دارای امتیاز رسمی از وزارت ارشاد بود.<sup>۵</sup>

گیلان و یک هفته بهره‌ورزش	جنگل	آموزش و تفریح مدرسه و غیره
<b>آرامش به رشت بازگشت</b>		
آرامش به رشت بازگشت با هم چه رشت را موفق کنید	کلیه ویدئوهای درخنده ساحلی بندر آرازی لوقه رشت	• کلاسهای درس دانشگاه گیلان در روز هم تشکیل شد
...	هدایای احساسی دانش آموزان و دانشجویان میلان رشت در مورد حمله نظامی	مستی دیگر بر پوزه ...

## ۷- دامون

دامون ، نشریه فرهنگسرای خلق گیلان - که با انتشار نخستین شماره خود در اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ نقطه عطفی در تاریخ زبان و ادبیات گیلان بجای نهاده است . نزدیک به نیمی از مطالب دامون به زبان فارسی و بیش از نیمی دیگر به زبان گیلکی و تالشی بوده است . شماره اول دامون تاریخ مشخصی را به دست نمی دهد . دامون با انتشار چهارمین شماره به تاریخ ۵۸/۳/۲۸ به علی که در همان شماره ذکر آن رفت موقتا " تعطیل گردید . این نشریه به قطع ۳۵×۵۰ سانتی متر در ۴ صفحه به صورت افست در رشت چاپ و منتشر می گردید . دامون در لغت گیلکی به معنای جنگل است .



## ۸- زیویر

زیویر، که شماره اول آن در اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ به صورت افست در یک ورق بزرگ بمقطع ۳۸×۵۷ سانتی متر ( دو صفحه ) در لنگرود چاپ و منتشر گردید . در سر مقاله آن تصریح شده بود که " روزنامه بهیچ حزب و گروه و سازمانی وابستگی ندارد و صرفاً " نشریهایست که به مسائل شهر لنگرود و مشکلات مردم آن می پردازد " . نگارنده شماره اول آن را دیده و خبرانتشار شماره دوم آن را شنیده است .

زیویر در لغت گیلکی ، به گویش مردم لنگرود ، به معنی فریاد است .

## ۹- رزم کارگر

رزم کارگر، ارگان سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، شاخه گیلان - که بطور متناوب هر دو هفته یکبار به‌قطع بزرگ یا ۲۵×۳۵ سانتی‌متر در هشت صفحه (و گاه بیشتر) منتشر می‌گردید. تاریخ دقیق نخستین شماره آن بر نگارنده معلوم نیست. به احتمال قوی اواسط بهار ۱۳۵۸ بوده است. شماره‌های رزم کارگر گاه همراه ضمیمه‌هایی چاپ می‌شد، مثل ضمیمه سیاه‌کل، ضمیمه چوکا، ویژه‌نامه حوادث دانشگاه گیلان و غیره. رزم کارگر با انتشار شماره ۲۴ در تاریخ ۲۵/۲/۵۹ سال اول خود را پشت سر گذاشت و بعد از وقفه‌ای در کار انتشار آن که مصادف با انشعاب سازمان در پائیز همان سال بود، مجدداً "با عنوان" رزم کارگر، ارگان سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران - شاخه گیلان، اکثریت" انتشار یافت. رزم کارگر به‌رغم سال اول خود که مخالف دولت بود، در سال دوم از شدت آن کاست و بیشتر به انتقاد و تحلیل جریان‌های سیاسی حاکم بر جامعه گیلان پرداخت. به‌نظر، آخرین شماره آن شماره ۲۸ مورخ ۱۶/۱۱/۵۹ بوده است.

این نشریه هر از چند گاهی، بعلت تنگناهای سیاسی، به‌صورت فتواستنسل نیز منتشر می‌شده است.

## ۱۰- رانکوه

رانکوه، ویژه نامه روستا - نشریهای کوچک در دو برگ و چهار صفحه به قطع ۲۲×۳۵ سانتی متر که به صورت چاپ افست به همت و تلاش یکی از نویسندگان با ذوق منطقه رانکوه ( لنگرود و رودسر) تهیه و توزیع می شد. رانکوه بیشتر به مسائل مردم منطقه رودسر می پرداخت. این نشریه تا دو شماره بیشتر نپائید. نخستین شماره آن در خرداد ۱۳۵۸ و دومین شماره آن ( آخرین شماره) در تیر ۱۳۵۸ منتشر گردید.<sup>۶</sup> رانکوه در تاریخ گیلان، اسم مکان نسبتاً قدیمی است که امروزه کمتر استعمال می شود.

## ۱۱- ویژه نامه هنر و ادبیات

ماهنامه - که بعد از تعطیل اجباری در اسفند ۱۳۴۹ برای بار سوم با انتشار اولین شماره خود در تیرماه ۱۳۵۸ ( دوره سوم ، شماره ۴۳ ) شروع به انتشار کرد و یک سال بعد در تیر ۱۳۵۹ با انتشار یازدهمین شماره متوقف ماند . این نشریه در دور سوم حیات مطبوعاتی خود دارای امتیاز رسمی از وزارت ارشاد اسلامی بود . ویژه نامه هنر و ادبیات در زمان رژیم شاه با استفاده از امتیاز برخی روزنامه‌های وقت از جمله " بازار " و " سایبان " انتشار می‌یافت که هر بار بعد از مدتی مورد تعرض حاکمیت قرار می‌گرفت و به محاق تعطیل می‌افتاد . ویژه نامه مروج نوعی هنر و ادبیات مبارز و متعهد بوده است و در سرتاسر کشور از استقبال خوبی برخوردار بود و گذشته از شاعران و نویسندگان گیلانی ، شاعران و نویسندگان پایتخت و دیگر استان های کشور نیز با آن همکاری نزدیک داشته‌اند . این نشریه به قطع ۲۵×۵۰ سانتی‌متر در ۱۲ صفحه چاپ و پانزدهم هر ماه در سراسر کشور منتشر می‌شده است .



## ۱۲- زرخ پوتار

نشریه فکاهی که در تاریخ ۵۸/۴/۲۱ شماره نخست آن به بازار آمد و در شماره سوم که به تاریخ ۵۸/۵/۲۵ منتشر شد تلویحا "تعطیل خود را اعلام داشت. زرخ پوتار به قطع ۳۵×۵۰ سانتی متر در ۴ صفحه و هر دو هفته یک بار به صورت افست در رشت چاپ می شد و گاه با زبان طنز و شوخی به شعر گیلکی نیز می پرداخت. این نشریه راه مصدق را در ذیل صفحه اول خود شعار می داد.

زرخ پوتار در لغت گیلکی به معنی مورچه گزنده است.



## ۱۳- کارگران مسلمان

ماهنامه، نشریه شوراهاى اسلامى کارگران - که به شکل مجله و قطع ۲۲×۲۸ سانتى‌متر در ۱۶ صفحه حاوى مطالب کار و کارگری از دیدگاه اسلام با چاپ افست در رشت منتشر مى‌شد. شماره سوم آن را نگارنده دیده است که فاقد تاریخ انتشار بود، از دو شماره نخست و شماره چهارم آن اطلاعى نیست. بی‌گمان چاپ اولین شماره آن در اوایل تابستان ۱۳۵۸ بوده است و در شماره سوم از ادامه کار بازمانده است.



### ۱۴- صدای زحمتکشان

بعد از لغو امتیاز روزنامه «بازار و متعاقبا» تعطیل آن، شورای نویسندگان روزنامه «مزبور ( نگاه کنید به ردیف ۱) ادامه راه خود را با نامی جدید پی گرفتند. نخستین شماره آن به قطع ۳۵×۵۰ سانتی متر در هشت صفحه در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۱۴ منتشر شد. از این نشریه تنها یک شماره به طریق چاپ افست منتشر گردید.



## ۱۵- روئین

هفته نامه قدیمی گیلان که بعد از تعطیل دسته جمعی مطبوعات در سال ۱۳۵۴ با انتشار شماره ۹۶۴ به تاریخ ۵۸/۸/۱۵ مجدداً شروع به کار کرد. ولی بعد از انتشار هفت شماره، در شماره ۹۷۰ مورخ ۵۸/۱۰/۱۶، مانند روزنامه سایبان، تعطیل شد. این روزنامه نیز مثل روزنامه های ردیف اول تا چهارم، بیشتر از متون ادبی و آماده کلاسیک و معاصر، با استفاده از بولتن خبرگزاری پارس مرکز رشت به عنوان منبع خبری و به میزان وسیع از آگهی های دولتی سود می جست. روئین بمقطع ۳۵×۵۰ سانتی متر در ۴ صفحه چاپ و روزهای پنجشنبه منتشر می شده است. این روزنامه به هنگام تعطیل ۲۳ سال سابقه مطبوعاتی را پشت سر داشته است.

**خدا را فراموش نکنید**  
بنا کنید خدا سازا  
فراموش نمیکند.

# روئین

سیاسی، اجتماعی، اتحادی، ادبی

**پیراهن سربازی**  
بناس شرافت است

**خاطره میرزا کوچک جنگلی**

**کلمه یک کلمه**

### ۱۶- نقش قلم

هفته نامه مذهبی گیلان، که در تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۲۵ نخستین شماره آن انتشار یافت. صفحات داخلی این روزنامه را آگهی‌های دولتی اشغال می‌کند. مندرجات نقش قلم بیشتر مقولات اخلاقی و مذهبی و نقل خبرهای کوتاه از بولتن خبرگزاری پارس<sup>۷</sup> است. این نشریه به قطع ۳۵×۵۰ سانتی‌متر در ۴ صفحه به صورت افست همه هفته در رشت چاپ و منتشر می‌گردد. انتشار نقش قلم در لحظه نگارش این مقاله ادامه دارد. (شماره ۱۰۰).

نقش قلم دارای امتیاز رسمی است.



## ۱۷ - پیام گیلان

هفته نامه، که در نخستین روزهای سال ۱۳۵۹، دقیقاً "در تاریخ ۵۹/۱/۲۵ با انتشار اولین شماره خود به جمع نشریات گیلان پیوست، و یک سال بعد در شماره ۴۱ به تاریخ ۶۰/۲/۲۴ متوقف ماند. پیام گیلان در واقع نسخه بدل روزنامه سایبان بود که بعد از لغو امتیاز آن عیناً با نامی جدید ولی با همان سبک و روال چاپ و منتشر گردید. قسمت اعظم این روزنامه را آگهی‌های دولتی اشغال می‌کرده است. پیام گیلان به قطع ۳۵×۵۰ سانتی‌متر در ۴ صفحه چاپ و روزهای پنجشنبه منتشر می‌شده است. این نشریه دارای امتیاز رسمی بوده است.

**۱۲ کارخانه بزرگ در شهر صنعتی**  
 و نقاط دیگر گیلان گشایش مییابد و هزاران نفر  
 از کارگران بکارهای تولیدی خواهند پرداخت

دو تن از بازاریان سورتمناس رشت دستگیر شدند	یک نفر بچرم ایجاد رعب و وحشت محکوم شد
<b>پیام گیلان</b>	بج نقر ۵۰ بند از قی غرق شدند
طرح‌های پیشنهادی	بات مرکز تهیه مشروب در آستارا کشف شد

## ۱۸- دامون (دوره دوم)

بعد از وقفای نسبتاً طولانی که در کار نشر آن پیش آمد (رجوع کنید به ردیف ۷) با انتشار نخستین شماره در تاریخ ۱۳۵۹/۳/۱ مجدداً شروع به کار کرد، و با انتشار شماره چهارم از سال دوم (بیست و هشتمین شماره) در تاریخ ۶۰/۵/۱۵ بار دیگر از حرکت ایستاد. دامون هر دو هفته یکبار به قطع ۲۵×۳۵ سانتی‌متر در هشت صفحه به صورت افست در رشت چاپ و منتشر می‌شد که صفحات داخلی آن به زبان گیلکی بود. دامون "احیای زبان و ادبیات گیلکی و حفظ و اشاعه فرهنگ گیلک" را وجه همت خود ساخته بود. این نشریه هر چند گاه یکبار بععلی دست به انتشار ویژه نامه‌هایی می‌زد مثل ویژه‌نامه "میرزا کوچک" و ویژه‌نامه انتقاد و غیره. دامون در این دوره از حیات مطبوعاتی خود دارای امتیاز و پروانه رسمی از سوی وزارت ارشاد بود.



## ۱۹- گیله مرد

هفته نامه - که نخستین شماره آن در تاریخ ۱۳۵۹/۵/۱۸ انتشار یافت. از شماره ۱۱ همراه با تغییرات کمی که در قطع و شکل روزنامه حاصل شد، در مشی آن نیز تغییرات کیفی حاصل گردید. قطع این روزنامه به تناوب گاه ۳۵×۵۰ سانتی متر و گاه کوچکتر و چاپ آن به طریق افست بوده است. بیشتر مطالب گیله مرد را گزارش و مقالات کارگری و دهقانی در بر می گیرد. انتشار گیله مرد در لحظه نگارش این کتاب ادامه دارد (شماره ۷۵).

گیله مرد دارای امتیاز رسمی است.<sup>۸</sup>





## ۲۰- دانش

هفته نامه - که شماره اول آن در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۲۸ منتشر شد و به‌مافضای شغل مدیر روزنامه، اغلب حاوی مطالب پزشکی بوده است. قطع آن ۳۰×۴۵ سانتی‌متر و تعداد صفحات آن چهار بود. دانش به تاریخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۳ با انتشار شانزدهمین شماره متوقف شد. دانش نیز دارای امتیاز رسمی بود.



## ۲۱- کیلان ما

هفته نامه - که با انتشار اولین شماره از دور دوم حیات مطبوعاتی خود در تاریخ ۱۸/۹/۱۳۵۹ شروع به فعالیت کرد و در تاریخ ۲۳/۴/۱۳۶۰ با انتشار شماره ۲۷ از حرکت باز ایستاد. کیلان ما بیشتر به مسائل تاریخی، ادبی، سیاسی و پزشکی می پرداخت. این نشریه در ۴ صفحه به قطع ۳۰×۴۵ سانتی متر به صورت افست چاپ و منتشر می شد. کیلان ما نیز دارای پروانه رسمی انتشار بود؟



## ۲۲ - پیام جنگل

ارگان سازمان مجاهدین خلق ایران ، شاخه گیلان - که در پائیز سال ۱۳۵۹ شروع به انتشار کرد . پیام جنگل نیز مثل همتای سازمانی خود " رزم کارگر ، ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ، شاخه گیلان " به مقتضای مسائلی که پیش می آمده دست به انتشار ضمیمه یا فوق العاده‌هایی می زد . این نشریه گاه به صورت زیراکس یا فتواستنسیل و گاه به صورت چاپ افست به قطع‌های ۲۵×۳۵ سانتی متر و وزیری در هشت صفحه یا بیشتر منتشر می شد . پخش آن به صورت زیر زمینی بوده است . به نظر ، آخرین شماره آن شماره ۶ مورخ ۵۹/۱۱/۲۲ و فوق العاده آن ( مربوط به درگیری‌های بهمن ۵۹ رشت ) مورخ ۱۳۵۹/۱۱/۲۷ بوده است .

۲۳- سعی ما

ارگان اتحادیه انجمن‌های اسلامی کارخانجات گیلان - که به صورت افست به قطع ۲۵×۳۵ سانتی متر در هشت صفحه چاپ و منتشر می‌شود. اولین شماره آن در مرداد ۱۳۶۰ با نام " وحدت " در سطح کارخانجات توزیع شد. دومین شماره آن که تاریخ ۲۶/۵/۶۰ را داشت به نام سعی ما در سرتاسر منطقه در بازار مطبوعات منتشر گردید. این نشریه که به صورت هفتگی انتشار می‌یافت از شماره ۷ با وقفه روبرو شد و از شماره ۸ مورخ ۲۵/۸/۶۰ بار دیگر شروع به انتشار نمود.

سعی ما در لحظه نگارش این کتاب منتشر می‌شود (شماره ) .



## ۲۴- ندای میرزا

نشریه اداره کل ارشاد اسلامی گیلان، که تا سه شماره آن به صورت آزمایشی در نسخ محدود به چاپ رسید و به عللی - بدون شک اداری - در شماره سوم متوقف ماند. شماره‌های ندای میرزا حاوی اخبار جهان، ایران و گیلان، تعدادی شعر و مباحثی در زمینه‌های مختلف ایدئولوژی اسلامی و مقالات سیاسی بود که به قطع ۳۵×۵۰ سانتی‌متر در هشت صفحه به صورت افست چاپ می‌گردید. شماره سوم (شماره آخر) آن مورخ ۱۳۶۰/۱۰/۳۰ می‌باشد. احتمالاً شماره اول آن اوایل دی یا اواخر آذر چاپ شده است.

آنچه در صفحات پیش شرح داده شد، توصیف مختصر مجموعه‌ای از نشریات گیلان بود که در زمان انقلاب در فاصله سال‌های ۶۰-۱۳۵۷ چاپ و منتشر گردید. در این جا باید اضافه کرد که در سال ۱۳۵۹ امتیاز یک نشریه با نام نیش قلم در لاهیجان صادر شد که منتشر نگردید. در فهرست نشریاتی که موفق به اخذ امتیاز از سوی وزارت ارشاد شده‌بودند، نام نشریه تازیانه شمال دیده شد که قرار بود در تنگابن (شهرسوار) منتشر شود گویا آن نیز انتشار نیافت.

علاوه بر این‌ها در بهمن ۱۳۵۸ نشریه‌ای با نام "فریاد خزر" به مدیریت جواد دلخوشنواز رشتی در تهران چاپ و در گیلان و تهران همزمان منتشر می‌گردید. آخرین شماره این روزنامه (شماره ۱۵) که به صورت دو هفته یکبار انتشار می‌یافت و دیده شد، تاریخ ۱۵/۶/۵۹ را داشت. این روزنامه به‌قطع ۳۵×۵۰ سانتی‌متر بود و در ۴ صفحه به صورت افست چاپ می‌گردید. در بالای صفحه اول روزنامه این توضیحات آمده است: سیاسی، انتقادی، اجتماعی، ادبی، عشقی، جدی و طنز به زبان گیلکی و فارسی. پیرومکتب توحیدی اسلام، مستقل و بدون وابستگی. از نکات جالب این روزنامه این که به‌غیر از آگهی‌های دولتی که به‌میزان بسیار زیاد در هر شماره آن چاپ می‌گردید، تمامی مطالبش اعم از شعر و نثر و طرح و تصویر از مدیر نشریه مزبور بوده و به‌هیچ وجه از نویسنده دیگری در آن مطلب درج نگردیده است.<sup>۱</sup>

افزون بر این، در کنار مطبوعات گیلان که به‌صورت چاپ سربی یا افست منتشر می‌گردید، یک سری نشریات به‌صورت زیراکس و فتواستنسیل نیز تکثیر و توزیع می‌شد که در برخی موارد اهمیت و کاربرد آن‌ها (و گاه حتی تیراژ آن‌ها) کمتر از برخی نشریات چاپی نبوده است. و دور از

انصاف است هرگاه - حداقل بعنوان نمونه - کیفیت کار این سری نشریات را فدای کمیت نوع عرضه‌شان کنیم و از آن‌ها ذکری بهمیان نیاوریم . پس در این جا به‌ذکر فقط دو عنوان از این سری نشریات می‌نشینیم :

\* همشهری ، هفته نامه همشهریان آستارایی - که به‌گونه مجلهدر ۱۴ صفحه ( کمتر یا بیشتر ) به‌صورت فتو استنسیل در آستارا منتشر می‌شد و حاوی مطالب متنوع و خبری در سطح شهر بود . همشهری به همت و ذوق یکی از شاعران و هنرمندان جوان گیلانی مقیم آستارا تهیه و توزیع می‌شد و در نوع خود جالب ، مفید و ابتکاری بوده است . نخستین شماره آن تاریخ مشخصی ندارد ( احتمالاً " خرداد ۱۳۵۸ ) اما هشتمین شماره آن که گویا آخرین شماره آن نیز بوده است ، تاریخ ۵۸/۴/۲۷ را داشت . همشهری در هر شماره خود مطلبی نیز به ترکی داشته است .

\* پیک پوشش ، نشریه کارگری - نشریه کارگران کارخانه پوشش رشت که هر دو هفته یکبار در هشت صفحه منتشر می‌شد و حاوی اخبار و مسائل کارگری در مخالفت با دولت بود . این نشریه در کنار یک‌جریان سیاسی چپ حرکت می‌کرد . نخستین شماره آن به احتمال قوی در دی‌ماه ۱۳۵۸ منتشر شد . به‌نظر آخرین شماره آن ، شماره ۸ مورخ ۱۳۵۹/۳/۱۱ بوده است !

باز علاوه بر این‌ها ، تعداد کثیری نشریه به‌طریق پلی‌کپی چه به صورت آزاد و چه به‌صورت وابسته به جریان‌های مختلف سیاسی از سوی مدارس ، مساجد ، ادارات ، کارخانجات ، انجمن‌ها و غیره تهیه و توزیع می‌شد که سر به صدها عنوان نشریه می‌زد و شرح آن‌ها - حتی ذکر نام آن‌ها - از موضوع و حوصله بحث ما خارج است .<sup>۱۲</sup>

بنابراین موضوع گفتار را در همین جا به‌پایان می‌بریم با این توضیح

که اگر نقصی در بیان نشریات ردیف ۹ و ۲۲ هست صرفاً " بماین خاطر بوده که نشریات مزبور به صورت زیرزمینی منتشر می شده اند و از این رو دقیقاً " مورد بررسی قرار نگرفتند ، طوری که به ندرت مجال ثبت شماره و تاریخ نشر آن ها پیش می آمده است .

نگارنده در پایان ضرورت نگارش کتابی مستقل در این زمینه را که در آن تحلیلی جامع و بی طرف از کارنامه مطبوعات گیلان ( از بدو پیدایی تا زمان انقلاب ) بعمل آمده باشد ، بار دیگر به پژوهشگران گیلانی یادآور می شود .

\*\*\*

تمنی است :

اگر جز این نشریات که بر شمردیم - و گفتیم در فاصله سال های ۶۰ - ۱۳۵۷ به صورت چاپ سربی یا افست منتشر شده اند - نشریه یا نشریات دیگری در گوشه و کنار گیلان چاپ شده است که نگارنده را بر آن ها اطلاعی نیست ، لطفاً " و حتماً " مطلع گردانند .

رشت - صندوق پستی ۳۳۲



## ضمائم

- ۱- جدول مطبوعات گیلان عصر انقلاب .
- ۲- ویژگی‌های مطبوعات گیلان عصر انقلاب .
- ۳- توضیحات .

# جدول مطبوعات گیلان

از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ شمسی

جدول شماره ۱

نشریاتی که امتیاز آنها از سوی وزارت اطلاعات سابق صادر شده بود

فصلنامه انتشار	روش نشریه	محل نشر	صاحب امتیاز ، مدیرمسئول	نام نشریه
روزانه	سیاسی ، اجتماعی ، خبری	رشت	میرشجاع گسگری	بازار
مفنگی	سیاسی ، اجتماعی ، انتقادی ، ادبی	رشت	اسفندیار سرتهیب پور	روگین
مفنگی	اجتماعی ، خبری ، ادبی	رشت	عبدالاحسین ملکراده	سایبان
مفنگی	سیاسی ، اجتماعی ، دینی	رشت	محمد جوادی	طالب حق
دوروز در هفته	سیاسی ، اجتماعی ، خبری ، ادبی	رشت	احمد دلجو	فریاد گیلان

جدول شماره ۲  
نشریاتی که پس از پیروزی انقلاب و پیش از تصویب لایحه مطبوعات منتشر شده است

فصلنامه/نشر	روش نشریه	محل نشر	ناشر	نام نشریه
دوهفتگی	فرهنگی (ارگان)	رشت	فرهنگسرای خلق گیلان	دامون (دوره اول)
دوهفتگی	اجتماعی (ویژه نامه روستائی)	رودسر	حسین معینی	رانکوه
نا مشخص	سیاسی (ارگان)	رشت	سازمان چریکهای فدائی خلق، شاخه گیلان	رزم کارگر
دوهفتگی	اجتماعی، سیاسی (نگاهی)	رشت	عباس دانشخواه	زرخ پونار
ماهانه	خبری، ادبی (درون شهری)	لنگرود	-	زیبوبر
-	سیاسی، ادبی	رشت	-	صدای زحمتکشان
ماهانه	خبری، سیاسی، دینی (کارگری)	رشت	شوراها ی اسلامی کارگران	کارگران مسلمان
دوهفتگی	سیاسی (ارگان)	رشت	دکتر عباس صدرائی اشکوری مؤکر بر نامه ریزی برای حکومت ایالتی گیلان	گیلان

جدول شماره ۳  
نشریاتی که امتیاز آنها از سوی وزارت ارشاد اسلامی (ملی سابق) صادر شده است.

نام نشریه	صاحب امتیاز ، مدیر مسئول	محل نشر	روش نشریه	فصلنامه انتشار
پیام گیلان	جهانشاه ملکراده	رشت	سیاسی ، اجتماعی ، ادبی - خبری	هفتگی
جنگل	مسعود قطبی	رشت	سیاسی ، خبری ، ادبی اجتماعی ، ورزشی	روزانه
دامون (دوره دوم)	محمد تقی پوراحمد	رشت	فرهنگی ، اجتماعی (گیلکی - فارسی)	دوهفتگی
گیلان ما	دکتر سید ابوالفضل احمد پناه	رشت	سیاسی ، اجتماعی ، پزشکی	هفتگی
گیلمرد	دکتر محمد علی فائق	رشت	سیاسی ، اجتماعی ، ادبی	دوهفتگی
نقش قلم	علی اکبر مرادیان گروسی	رشت	سیاسی ، اجتماعی ، ادبی	هفتگی
ویژه نامه هنر و ادبیات	محمد ابراهیم رضائی راد (واخطا)	رشت	دینی ، ادبی ، علمی	هفتگی
	جعفر صالحیور	رشت	هنری ، ادبی	ماهانه

جدول شماره ۴  
 نشریاتی که بعد از تصویب لایحه مطبوعات (مصوب ۵۸/۵/۲۰) منتشر شده است

نام نشریه	ناشر	محل نشر	روش نشریه	فاصله انتشار
پیام جنگل	(نگاه‌کنید به ردیف ۲۲)	رشت	سیاسی (ارگان)	نامنظم
رزم کارگر	(نگاه‌کنید به ردیف ۹)	رشت	سیاسی (ارگان)	[دوهفتگی]
سعی ما	اتحادیه انجمن‌های اسلامی کارخانجات کیلان	رشت	(ارگان)	هفتگی
ندای میرزا	اداره گل‌ارشاد اسلامی کیلان	رشت	سیاسی، خبری	نامنظم

# ویژگی های مطبوعات گیلان

## عصر انقلاب

نام نشریاتی که ذیلاً "می آید بخاطر برخی ویژگیهای ژورنالیستی منطقی و برخی نوآوری ها و همچنین درج مطالبی که بعداً " جزئی از تاریخ گیلان به حساب خواهد آمد ، در جمع مطبوعات گیلان عصر انقلاب جایگاه ویژه ای دارد که بجاست در سر فرصت روی آن ها تحقیقات گسترده به عمل آید .

این نشریات عبارتند از :

بازار ( بخش آخر فعالیت آن که در مسیر انقلاب بود ) و جنگل ، بعنوان دو روزنامه خبری و حرفه ای ( روزانه ، صبح گیلان ) از نقطه نظر اخبار سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی که بعدها جنبه تاریخی خواهد گرفت .

پیام جنگل و رزم کارگر ، دو نشریه سیاسی مخالف دولت که وابسته به سازمان های سیاسی معتقد یا عملاً " درگیر به مبارزه مسلحانه بوده اند . مندرجات این دو روزنامه بخشی از تاریخ سیاسی گیلان عصر انقلاب را در بر دارد .

گیلان ، نشریه سیاسی وابسته به مرکز برنامه ریزی برای حکومت ایالتی گیلان ، که بیشتر در جهت طرح و توسعه اقتصادی گیلان و استقلال سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی آن در چهارچوب یک حکومت فدراتیو

در ایران تبلیغ می‌کرد.

دامون، نشریه گیلکی زبان که در چهارچوب سیاست، فرهنگ و جامعه تماما " به گیلان و گیلک و نمادهای ملی آن استناد می‌جست. از نظر مطالعات زبان‌شناسی و غور در ادبیات مکتوب گیلکی و همچنین ارائه یک نشریه ملی در جمیع نشریات مشابه دیگر ملیت‌های ایرانی قابل بررسی و تعمق است.

ویژه نامه هنر و ادبیات، نشریه فرهنگی ( ادبی و هنری) که با ارائه نمونه‌های ادبیات و هنر مبارز در قالب سیاست و جامعه و همچنین درج مقالات فرهنگی دیگر به صورت ماهنامه انتشار می‌یافت. این نشریه گذشته از بازتاب فرهنگی، بعنوان نمودی از یک ژورنالیسم منطقه‌ای که پا از دایره منطقه ما در - گیلان - به خارج گذاشت و در سرتاسر کشور پخش شد، قابل بررسی و مطالعه است.

زرخ‌پوتار، نشریه فکاهی که در قالب سیاست و جامعه به نظم و نثر چاپ و منتشر می‌شد. این نشریه به‌عنوان تنها نمودی از خیل نشریات فکاهی گذشته گیلان که بارزترین نمونه آن چلنگر افراشته است، در گیلان عصر انقلاب رخ نمود.

رانکوه و ژویور، دو نشریه شهرستانی، که اولی به مسایل روستایی و دومی به مسایل شهری پیرامون محل انتشار خود می‌پرداخت. متأسفانه بعلت قلت شماره‌های منتشره، نمی‌توانند مورد بررسی دقیق قرارگیرند. حضور هر یک از این نشریات که در بالا برشمردیم، هر چند که دولت برخی از آنان بسیار مستاجل بود، از بابتی که ذکر شد - و بی آن که تایید یا تکذیبشان کنیم - نمونه‌های برجسته مطبوعات گیلان عصر انقلاب بوده است.

## توضیحات :

در فاصله بین زمان نگارش این مقال تا چاپ آن که حدود یک سال می‌گذرد، این تغییرات به‌ترتیب در سطح مطبوعات گیلان حاصل شده است :

یک - سعی ما ، نشریهٔ ردیف ۲۳ ، دیگر در بازار مطبوعات دیده نشده است .

دو - گیل‌مرد ، هفته‌نامه ردیف ۱۹ ، در اول اردیبهشت ۱۳۶۱ با چاپ شماره ۷۹ از ادامهٔ انتشار باز ایستاد .

سه - گیلان ما ، دو هفتگی ردیف ۲۱ ، بار دیگر با انتشار شماره اول در تاریخ ۶۱/۴/۲۸ دور سوم حیات مطبوعاتی خود را از سر گرفته است . در لحظهٔ نگارش این توضیح شماره ۱۵ آن منتشر شده است .

چهار - نقش قلم ، هفته‌نامهٔ ردیف ۱۶ ، شماره ۱۴۷ آن انتشار یافته است .



با این حساب اینک تنها دو نشریه، نقش قلم و گیلان ما به‌طور مرتب در گیلان منتشر می‌گردد.

\*\*\*

- (۱) صفحه ۱۳ - جهانگیر سرتیپ پور: اولین‌ها در گیلان .  
دامون، دوره دوم، سال اول، شماره ۱۵.
- (۲) صفحه ۱۵ - علل تعطیلی مطبوعات این دوره را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:  
الف - ضررهای مالی ناشی از بالا رفتن هزینه انتشاراتی از طرفی و عدم استقبال همگانی از طرف دیگر، و نتیجتاً " سرخوردگی مطبوعاتی و تعطیل پارهای نشریات .  
ب - در مظان اتهام و فشار بخشی از اقشار مردم قرار گرفتن در اثر سوء ظن بحق یا کاذب که متأسفانه جوی نامساعد به‌وجود آورده بود، و عدم دریافت تأییدیه مجدد از سوی وزارت ارشاد اسلامی، که در هر حال منجر به تعطیلی چند نشریه انجامید .  
ج - کاهش بهای آگهی‌های دولتی به‌میزان بسیار فاحش از طرف دولت و در نتیجه عدم مقرون به صرفه‌بودن چاپ روزنامه‌ها برای مدیران جراید و قطع امید تجاری بر آن دسته از مطبوعاتی که شدیداً " به آگهی‌ها وابسته بودند و کمتر به محتوی و رسالت مطبوعاتی خویش می‌اندیشیدند .
- (۳) صفحه ۱۷ - اعتصاب قهرمانانه مطبوعات ایران به‌مدت ۲۶ روز از تاریخ ۵۷/۸/۱۵ تا تاریخ ۵۷/۱۰/۱۶ طول کشید . در گیلان بجز دو روزنامه که در خدمت رژیم شاه بود، روزنامه دیگری وجود نداشت تا در این اعتصاب تاریخی شرکت جوید .

- (۴) صفحه ۲۴ - در سال ۱۳۲۶ هجری قمری روزنامه‌های با نام گیلان به مدیریت حسن اسدزاده در رشت چاپ می‌شد. این روزنامه ارگان انجمن ولایتی بود. نیز در سال ۱۳۲۸ هجری قمری روزنامه‌های با همین نام - گیلان - به مدیریت کاظم زهری در رشت چاپ می‌گردید. ( ابراهیم فخرائی: گیلان در گذرگاه زمان، صفحه ۳۱۹ و ۳۲۰).
- (۵) صفحه ۲۵ - در سال ۱۳۳۸ هجری قمری روزنامه‌های با نام جنگل به مدیریت اسمعیل دهقان منتشر می‌شد که ارگان کمیته انقلاب سرخ بود و در رشت چاپ می‌گردید ( ابراهیم فخرائی، همان مرجع، صفحه ۳۲۲).
- این روزنامه علاوه بر روزنامه معروف جنگل ارگان نهضت مردمی و انقلابی جنگل است که در سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ هجری قمری به صورت چاپ سنگی منتشر می‌گردید و مدیریت آن را میرزا حسین خان کسمائی شاعر ملی و انقلابی برعهده داشت.
- (۶) صفحه ۲۹ - در سال ۱۳۳۱ شمسی نیز نشریه‌ای با همین نام به مدیریت سیدرضی مظفری در رودسر چاپ و در گیلان منتشر می‌شد.
- (۷) صفحه ۳۵ - این خبرگزاری در حال حاضر به " جمهوری اسلامی " تغییر نام داده است. شعبه آن در گیلان، همه هفته در چند روز متوالی یا متناوب خبرهای گیلان را تهیه و جهت درج به روزنامه‌ها ارسال می‌دارد.
- (۸) صفحه ۳۸ - نشریه‌ای با نام گیله مرد در سال ۱۳۲۵ شمسی در رشت چاپ می‌گردید. مدیریت آن را معتمد دماوندی برعهده

داشته است .

(۹) صفحه ۴۰ - گیلان ما ، در دور اول حیات مطبوعاتی خود که در فاصله سال‌های ۳۱ - ۱۳۲۸ انتشار می‌یافت ، ارگان حزب ایران در گیلان بوده است .

(۱۰) صفحه ۴۴ - محل چاپ و انتشار این روزنامه در تهران بوده است . پروانه انتشار آن نیز به نام تهران صادر شده بود . از این رو از معرفی آن در جمع مطبوعات گیلان خودداری شده است .

(۱۱) صفحه ۴۵ - در دوسال اول انقلاب یعنی سال‌های ۱۳۵۸ و اوایل سال ۱۳۵۹ خیابان امیرکبیر رشت ( شاه سابق و علم‌الهدی فعلی ) شاهد برپایی دهها کیوسک مطبوعاتی و دکه‌های روزنامه‌فروشی بود که تنگاتنگ هم سبز شده بودند . هر یک از این کیوسک‌ها محل فروش نشریات ویژه و ارگان یکی از احزاب و گروههای سیاسی بوده‌اند . این دکه‌ها در عین حال مرکز مبادلات سیاسی و فرهنگی سازمان‌های متبوع خویش نیز بودند . نشریاتی از قبیل پیک‌پوشش ، اتحاد کار ( هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ، شاخه گیلان ) و از این دست اغلب در این‌گونه کیوسک‌ها که ظاهراً " یک شکل اما در باطن به‌طرقی از هم قابل تمیز و تفکیک بودند ، به‌معرض فروش گذاشته می‌شدند ، و در مواردی جهت تبلیغ مشی‌های سیاسی گروهی و سازمانی خود به رایگان عرضه می‌شدند .

(۱۲) صفحه ۴۵ - این سری نشریات بیشتر به‌خاطر عدم وسع مالی و امکانات چاپی توسط برخی صاحبان ذوق و عقیده در شهرستان‌ها به‌ویژه شهرهای کوچک و بخش‌ها بهترین نمونه‌ها را عرضه داشت .











تو خ پوتار نامرد  
 تبايندگي در مجلس خبرگان



...  
 ...  
 ...

...  
 ...  
 ...

**چه سلامی  
 چه علیکی**

...  
 ...  
 ...

**مهندس کریمی**

...  
 ...  
 ...

**بمازید!**

...  
 ...  
 ...



سینیک است شلوار  
 برا هم نورسیا ورنه

**تیره خانوم**

...  
 ...  
 ...



**کمیته بارانا**

...  
 ...  
 ...

و اما ما، مصفا است  
 ما با خدای خود عهد کردیم که از برای تشکیلش و این راه را میرویم



